

۱- «بررس» نامی بود که در رژیم گذشته به مأموران سانسور کتابها در اداره نگارش وزارت فرهنگ و هنر سابق داده شده بود و مؤلفان و مترجمان عموماً از این نام دل خوشی ندارند... «داور» نیز در مفهوم فارسی آن باید بین اختلاف نظر و اختلاف منافی که بین دوطرف پیش می آید نظر دهد و چون بین ویراستار و صاحب اثر اختلاف منافع وجود ندارد، بلکه منافع آنها در یک جهت، جهت بهتر شدن کتاب، است و اختلاف نظر نیز، لااقل در این مرحله، وجود ندارد از کاربرد کلمه «داور» خودداری می کنیم.

۲- در دانشگاه آزاد ایران مدتی از کمک «ارزشیابان خارجی» استفاده می شد، بعدها که دستگاه ویرایش دانشگاه تأسیس شد، و ویراستاران متخصص به ویرایش کتابها پرداختند جز در سه چهار مورد این استفاده از ارزشیابان خارجی به عمل نیامد.

یا خطاهای صرفی و نحوی اثر را مورد بررسی قرار دهد. اگر ملاحظات جداگانه ای در این مورد برای ویراستار بنویسد، مطلوب و مشکور است.

۱۲) چون ممکن است چند نفر یک اثر را ارزشیابی کنند، ارزشیاب نباید متوقع باشد که ویراستار هرگونه توضیح او را بپذیرد.

ایران شناسی و نشر کتابهای فارسی در

دکتر غلامحسین بیگدلی

بارتولد



کشور پهناور اتحاد شوروی یکی از کشورهای بزرگ جهان است که به تاریخ و فرهنگ و ادبیات و آداب و رسوم ملل روی زمین توجه خاصی مبذول داشته است. به جرأت می توان ادعا کرد که در حال حاضر هیچ کشوری در روی کره زمین نیست که از طرف دانشمندان و پژوهشگران شوروی مورد توجه قرار نگرفته باشد و درباره آن کشور تحقیق نشود.

کشور ایران نیز که همسایه و هم مرز شوروی است، از این قاعده مستثنی نیست. توجه مردم و دانشمندان شوروی به فرهنگ ایران ریشه تاریخی کهنی دارد که از دوران روایی تزاری آغاز گردیده و پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی با ایجاد تغییراتی در صورت و مضمون، در مقیاس وسیعتر و عمیقتری ادامه یافته است، به طوری که از جنبه روابط فرهنگی عادی فراتر رفته، جنبه علمی پیدا کرده است.

کمی به گذشته برگردیم. هنگامی که موضوع را از جنبه تاریخی بررسی می کنیم می بینیم که ارتباط سیاسی و اقتصادی ایران با اقوام و کشورهای اسلا و نژاد، از آن جمله با روسها و روسیه تزاری، از قرن پانزدهم میلادی آغاز گردیده، ولی مدتها در حد تماس ابتدایی باقی بوده است تا اینکه در سال ۹۷۲ هجری قمری (۱۶۶۴ م) نخستین هیئت سیاسی و بازرگانی امپراتوری روس به دربار شاه عباس دوم صفوی آمد و با خود هدایای گرانبها

و کالاهای مرغوب فراوانی آورد و در پی آن روابط سیاسی، بازرگانی و فرهنگی بین ایران و روسیه تزاری آغاز گردید. در اوائل قرن نوزدهم میلادی روابط سیاسی و فرهنگی و بویژه بازرگانی ایران و روسیه پا به مرحله نوینی می‌گذارد، بدین معنی که در سال ۱۲۳۱ هجری قمری (۱۸۱۵ م) تعدادی از بازرگانان ایران با کالاهای ممتاز و پارچه‌های زربفت و زیبا به روسیه می‌روند و در آن سامان بازار تجارت ایران گرم می‌شود. پس از انعقاد معاهده ترکمنچای و آشتی دولتهای ایران و روسیه تزاری، مجدداً روابط سیاسی و اقتصادی میان آنها برقرار می‌گردد. در این زمان است که خاورشناسان روسیه تزاری به کشور ایران می‌آیند و آثار کلاسیک ادبی و هنری ایران مورد پسند و اعجاب

سی در اتحاد شوروی



برتلس

سرتلی



آنها قرار می‌گیرد و تدریجاً روابط فرهنگی ایران و روسیه استحکام بیشتری می‌پذیرد.

درست است که در جریان جنگ ایران و روسیه در ۱۲۲۷-۱۲۴۴ هجری قمری (۱۸۱۲-۱۸۲۸ م) قسمتی از آثار و کتب ادبی و فرهنگی ما به طرق مختلف به دست دانشمندان روسیه افتاد، ولی با بردن کتابخانه و آثار عتیقه موزه آستانه مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی توسط قزاقان روسی کم‌کم ادب، فرهنگ و هنر ایران در روسیه تزاری شناخته شده و جلب توجه کرد.

خوشبختانه این آثار هنری و فرهنگی بی‌نظیر از بین نرفته و قسمت اعظم آنها در موزه ارمنیاز و کتابخانه سالتیکوف شچدرین شهر لنینگراد نگهداری می‌شود. مؤلف این مقاله، خود تعداد کثیری از کتب خطی آستان شیخ صفی را که در کتابخانه سالتیکوف شچدرین نگهداری می‌شود دیده و از آنها استفاده کرده است. در ورق اول اغلب این کتابها با خط شاه عباس اول جمله‌هایی مبنی بر وقف کتاب به کتابخانه آستان شیخ صفی و سفارش اکید بر خارج نکردن آنها از کتابخانه ثبت شده و در آخر با جمله «کلب آستان علی، عباس» ختم و مهر گردیده است.

گفتیم که روابط سیاسی و فرهنگی جدی بین ایران و روسیه از ابتدای قرن هفدهم میلادی آغاز گردید و درست در همین ایام بود که از طرف خاورشناسان روسیه آن زمان بابتی چند از گلستان سعدی به زبان روسی برگردانده شد و مورد توجه قرار گرفت. این ترجمه‌ها هم اکنون در همان کتابخانه سالتیکوف شچدرین نگهداری می‌شود ولی مترجم آنها شناخته نیست.

در سال ۱۲۱۰ هجری قمری (۱۷۹۶ م) از طرف یکی از شعرای دربار کاترین، ملکه روسیه، قطعاتی از اشعار گلستان سعدی به نظم به زبان روسی برگردانده شد که در سنت پترزبورگ (لنینگراد امروزی) از طرف دانشمندان با استقبال روبرو شد. این تاریخ به بعد تدریجاً در سالهای مختلف ترجمه‌هایی از آثار کلاسیک ایران به زبان روسی (منثور یا منظوم) چاپ و منتشر گردید، به طوری که از سال ۱۸۲۱ تا ۱۸۴۵ میلادی (۱۲۳۷ تا ۱۲۶۱ هـ. ق) در حدود سی ترجمه از آثار سعدی، حافظ، خیام و غیر هم در شهرهای سنت پترزبورگ، مسکو، غازان و دیگر شهرها چاپ و نشر گردید و در اختیار خوانندگان روسی قرار گرفت. درست است این سی رقمی که نام بردیم غالباً یک قصیده، یک قطعه ادبی، چند غزل یا رباعی و غیره بود و هیچگاه یک اثر کامل و یکجا ترجمه نشد، ولی با همه اینها برای آن روزگار و برای سرآغاز، خالی از اهمیت نبود. از جمله معروفترین مترجم آن دوران می‌توان از

دانشمند روسی خولموگوروف نام برد که ترجمه‌هایش بسیار مورد توجه قرار گرفت.

بدین ترتیب بتدریج کار ترجمه آثار کلاسیک ایران در روسیه تزاری رواج یافت به طوری که از سال ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۶۶ تا ۱۲۹۹ هـ. ق) در طرف ۳۱ سال فقط پنج ترجمه بر گزیده از گلستان سعدی به وجود آمد. در دهساله بعدی یعنی تا سال ۱۳۰۹ هجری قمری (۱۸۹۱ م.) منتخباتی از دیوان انوری و رباعیات خیام به زبان روسی منتشر شد. در همین دوران با تمام مشکلاتی که وجود داشت ابیاتی نیز از مثنوی جلال‌الدین رومی به روسی بر گردانده شد.

از آن پس بتدریج کار ایران‌شناسی در روسیه رونق گرفت و مؤلفان آثار نوینی درباره ایران پدید آوردند و ترجمه‌های آثار ایرانی یکی پس از دیگری نشر گردید و زمینه تحقیق وسیعتر ایران‌شناسی را در روسیه فراهم آورد. رفته‌رفته خاورشناسانی زبردست به میدان آمدند که از مشهورترین آنان آ. کریمسکی بود. این دانشمند در بین سالهای ۱۹۰۹ تا سال ۱۹۱۷ میلادی (۱۳۲۷ تا ۱۳۳۶ هـ. ق.) کتاب مشهور خود تاریخ ایران، ادبیات و تصوف آن را تألیف کرد که این اثر امروز هم یکی از منابع موثق ایران‌شناسی به شمار می‌رود و مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران است.

یکی از معاصران و همگامان کریمسکی دانشمند شهیر روسیه تزاری آکادمیسین بازتولد است. این ایران‌شناس برجسته در سال ۱۳۳۴ هجری قمری (۱۹۱۵ م.) تاریخ حماسه ایرانی را تألیف و منتشر کرد. از آن به بعد تدریجاً تعداد ایران‌شناسان متبحر رو به افزایش گذاشت.

علاوه بر این ایران‌شناسان، تعدادی از نویسندگان، گویندگان و موسیقی‌شناسان روسیه نیز با آثار شعرا و نویسندگان ایران آشنا شدند و از آثار هنری و ادبی گویندگان ایرانی بهره‌مند شده اثرهای تازه به وجود آوردند. از این جمله‌اند: تولستوی، پوشکین، لرمانتوف، و از آهنگسازان نیز چایکوفسکی، ریمسکی، کارساکوف، فت، راخمانینوف و دیگران که از آثار ادبی ایران بهره‌مند گردیدند.

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی (۱۳۳۶ هـ. ق.) ایران‌شناسی در مقیاس وسیعتری در شوروی رونق یافت. ایران از نخستین کشورهایی است که دولت انقلابی سوسیالیستی شوروی را به رسمیت شناخت و طبق قراردادهای ۱۳۴۰ هجری قمری (۱۹۲۱ م.) روابط دوستی و همسایگی بر اساس حقوق متقابل و

عدم دخالت در امور یکدیگر از نو پایه‌ریزی شد و روابط سیاسی و اقتصادی نوینی بین کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برقرار گردید. از این دوره به بعد است که همراه با استحکام روابط مودت همه‌جانبه، اهمیت ویژه به روابط فرهنگی داده می‌شود و ایران‌شناسی در کشور شوروی از طریق سازمانها و آموزشگاههای مختلف شروع می‌گردد و یک ایران‌شناسی علمی و همه‌جانبه به وجود می‌آید که ما به اختصار به آن اشاره می‌کنیم. پژوهشهای ایران‌شناسی در شوروی اساساً از سه طریق بنیادی صورت می‌گیرد:

الف. از طریق فرهنگستان علوم اتحاد شوروی و فرهنگستانهای علوم جمهوریهای پانزده‌گانه.

ب. از طریق دانشگاهها و مراکز علمی

ج. از طریق مراکز مربوط به روابط فرهنگی ایران و شوروی علاوه بر اینها جمهوری تاجیکستان شوروی که اهالی آن فارسی‌زبان و دری‌گوی هستند در حدود چهار میلیون جمعیت دارد، همچنین در جمهوریهای ازبکستان و ترکمنستان تعداد کثیری سکنه فارسی-تاجیک زبان وجود دارد و شهرهای کهنسال و مراکز هنر و فرهنگ و ادب فارسی، بخارا و سمرقند، در محدوده جغرافیایی ازبکستان است. مقصود از تذکر این مسئله این است که فارسی‌زبانان بسیاری حتی شهر به شهر در سرتاسر اراضی آسیای میانه پراکنده‌اند که هنوز هم به زبان مادری و به سنن و آداب و رسوم نژادی خود پایبند می‌باشند، هر چند که تحت فشارهای گوناگون هم قرار گرفته باشند. همچنین در نقاط کوه‌نشین مرزی بین آذربایجان شوروی و گرجستان و ارمنستان نزدیک به یک میلیون کرد ساکن‌اند که اینها به هر قیمتی که شده تاکنون زبان، ملیت و سایر ویژگیهای نژادی خود را حفظ کرده‌اند و جزء گروه فارسی‌زبانها می‌باشند. علاوه در حوالی مصب رود ارس و لنگران و استارا تعداد کثیری از خلقهای طالش، لاهیج، تات و غیره هستند که هنوز هم با زبان مادری خود صحبت می‌کنند ولی در مدارس آنها زبانهای روسی یا ترکی آذربایجانی تدریس می‌شود. علاوه در سرتاسر آذربایجان در نقاط کوهستانی و صعب‌العبور هنوز هم تات‌ها به زبان مادری خویش تکلم می‌کنند. در حال حاضر در فرهنگستان علوم اتحاد شوروی مراکز

ایران‌شناسی زیرین مشغول به کارند:

۱. انستیتوی ملل آسیا و آفریقا در شهرهای مسکو، لنینگراد، تفلیس، باکو و تاشکند.

۲. انستیتوی ادبیات جهان به نام الکسی ماکسیمویچ گورکی در



مینورسکی

مسکو،

۳. انستیتوی زبان شناسی در مسکو و لنین گراد،
۴. انستیتوی مردم شناسی در مسکو و لنین گراد،
۵. انستیتوی تاریخ در آکادمی علوم شوروی در مسکو، باکو، تاشکند و تفلیس (که شعبه ایران در آن موجود است)،
۶. انستیتوی خاورشناسی در آکادمی علوم شوروی در مسکو، باکو تاشکند و لنین گراد (که شعبه ایران در آن موجود است)،
۷. انستیتوی تاریخ و هنر در آکادمی علوم شوروی در مسکو،
۸. انستیتوی فلسفه و علوم انسانی.

در هر يك از این سازمانهای علمی مؤسسه‌ها و شعبه‌های ایران شناسی وجود دارد که در هر يك از آنها دهها نفر کارمند علمی و متخصص زیر دست، که سالها سابقه پژوهش دارند، به کار مشغول اند و همه ساله تعداد قابل توجهی کتاب، مجله و مقالات علمی معتبر درباره رشته‌های مختلف ایران شناسی چاپ و منتشر می‌کنند.

وظایف اصلی این مؤسسات علمی - پژوهشی اساساً تحقیق در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و چاپ آثار کلاسیک ایران و آموختن فرهنگ مادی و معنوی ایران است. گفتیم که پس از انقلاب ۱۹۱۷ در شوروی توجه دولت سوسیالیستی به مسائل بین‌المللی و از آن جمله مسائل آسیا و ایران بیشتر شد. خاورشناسان، بویژه ایران‌شناسان، با امکانات و سازمانهای وسیعتری به امور پژوهشی پرداختند به طوری که فقط در رشته علوم اجتماعی و ادبیات و زبان فارسی از ۱۳۳۷ تا ۱۳۹۸ هجری قمری (۱۹۱۸ تا ۱۹۷۸ م) در ظرف شصت سال

بیش از چهار میلیون نسخه کتاب به ۱۳ زبان روسی، تاجیکی، ازبکی، آذربایجانی، اوکرائینی، ترکمنی، بلوروسی، لتونیایی، لتوانیایی، گرجی، ارمنی و غیره ترجمه و چاپ شده است. این آثار عبارت از متنهای علمی و تألیف و ترجمه شده می‌باشد که در اینجا درباره هر کدام از آنها به اختصار اطلاعاتی می‌دهیم.

متنهای فارسی از جمله آثار کلاسیک شرق است که تا کنون به شکل دستنویس در مخازن نسخه‌های خطی شوروی نگهداری شده و چاپ نشده است. متخصصان پس از مقابله نسخه‌های متعدد يك اثر با یکدیگر معمولاً نسخه‌ای را که نزدیکترین نسخه به زمان مؤلف است به عنوان متن اصلی انتخاب می‌کنند و چند نسخه قدیمی را به صورت نسخه‌های بدل مورد استفاده قرار می‌دهند.

نشر متنهای فارسی در چاپخانه‌ای به نام شعبه «متنهای ادبی ملل شرق» زیر نظر فرهنگستان علوم جمهوریهای شوروی آماده و چاپ می‌گردد و این جریان در دو قسمت «بخش بزرگ» و «بخش کوچک» انجام می‌شود که بخش بزرگ مخصوص نشر شاهکارهای ادبی ملل شرق و از آن جمله ایران است و در بخش کوچک معمولاً متنهای جدید و درجه دوم آماده و چاپ می‌گردد و در همینجا متنهای ترجمه‌ای نیز چاپ می‌گردد.

در زمینه نشر متنهای فارسی و آثار کلاسیک در سلسله «بخش بزرگ» از سال ۱۳۶۹ تا ۱۴۰۰ هجری قمری (۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ م) بیش از یکصد و پنجاه جلد کتاب و یا ترجمه علمی دقیق آکادمیک چاپ شده است: از قبیل آثار رودکی، شاهنامه فردوسی، آثار قطران، نظامی، خاقانی، امیر خسرو دهلوی، جامی و غیره.

اجمالاً برای نمونه به شرح مختصر چگونگی نشر يك اثر می‌پردازیم. شاهنامه فردوسی در ۹ جلد و بر اساس قدیمترین نسخه‌های موجود خطی معتبر جهان از جمله نسخه‌های خطی موزه بریتانیا، نسخه لنینگراد (کتابخانه سالتیکوف شچدرین)، نسخه خطی بایسنغری ایران و چندین نسخه دستنویس دیگر زیر نظر يك گروه دانشمند متخصص آماده شده است. این کار از سال ۱۳۷۴ هجری قمری (۱۹۵۵ م) به سرپرستی و زیر نظر مستقیم یوگنی ادواردویچ برتلس ایران‌شناس مشهور شوروی شروع شد. پس از مرگ برتلس در سال ۱۳۷۷ هجری قمری (۱۹۵۷ م). فرزندش (آندری برتلس)، گوزلیان، عثمانوف، طاهر جانف و بانو اسمیرنوا برای ادامه کار بر گزیده شدند و به سبب اهمیت و سنگینی کار عده‌ای از دانشمندان و ایران‌شناسان شناخته شده از قبیل آکادمیسین بابا جان غفوراف، پروفیسور یوسف سامائیلویچ

برای گینسکی عضو وابسته آکادمی علوم تاجیکستان و پروفیسور رستم علی اف نیز به این گروه اضافه شدند تا اینکه با تلاش گروه مزبور این کار با موفقیت پایان رسید. اکنون نیز ترجمه منظوم شاهنامه فردوسی به زبان روسی توسط خانم لاهوتی صورت می گیرد و بیش از نیمی از اثر ترجمه شده است.

به طور کلی آثار کلاسیک شرق از آن جمله متنهاى فارسی با کمال دقت، امانت و پشتکار از طرف دانشمندان متخصص شوروی آماده و منتشر می گردد و بسیاری از آثار پر ارزش که نسخه منحصر به فرد آنها در شوروی است برای اولین بار چاپ و در اختیار همگان گذاشته می شود.

علاوه بر چاپ متنهاى علمی و آثار تألیفی و ترجمه ها در شوروی، به چاپ مینیاتورهای آثار خطی ایران نیز توجه ویژه ای مبذول گردیده است. برای مثال از طرف شرق شناسان شناخته شده، ایوانف و آکیموشکین، مجموعه ای بنام آلبوم بزرگ مینیاتورهای ایران در نشریات «علم» مسکو منتشر شده است که شامل بیش از چهل مینیاتور ایرانی متعلق به قرن هشتم تا دهم هجری قمری است که برای نخستین بار در دنیا انتشار یافته است.

همچنین از سال ۱۳۸۴ هجری قمری (۱۹۶۵ م) مجموعه هایی به وسیله دانشمندان ایران شناس تاجیک بانو مقدمه اشرفی و همسرش کمال عینی فرزند صدرالدین عینی به نام جامی در مینیاتورهای قرن چهاردهم در مطبعه «نقاشان شوروی» در مسکو به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۴ هجری قمری (۱۹۷۴) نیز مجموعه دیگری بنام لوحه های نگارین از سده چهارده تا هجده با استفاده از آثار سخنوران فارسی و تاجیک همراه با مینیاتور به وسیله همان مؤلف در مطبعه «عرفان» شهر دوشنبه طبع و نشر شده که بسیار ظریف، و زیبا و نفیس است.

آلبوم گرانبهای بابرنامه که با مینیاتورهای دوره بابر و احتمالاً با خط نستعلیق زیبای خود وی در ۱۴۴ صفحه و با ۹۶ مینیاتور نفیس از طرف پروفیسور حمید سلیمان در سال ۱۳۹۰ هجری قمری (۱۹۷۰ م) در مطبعه «فن» تاشکند به چاپ رسید که به سهم خود اثری بس گرانبها است. آلبوم مینیاتورهای ایران در قرون چهاردهم تا هفدهم که از طرف انستیتوی مردم آسیا تهیه و چاپ گردیده و در مطبعه «علم» به چاپ رسیده است. آثار دیگری از این قبیل منتشر شده است که مجال ذکرش در اینجا نیست.

به طور کلی از طرف دانشمندان شوروی در خصوص بررسی انتقادی، چاپ و نشر متنهاى ادبی و هنری ایران و فرهنگ و زبان

فارسی اقدامهای جدی و همه جانبه ای به عمل آمده است که تعدادی از این متنها چاپ و منتشر گردیده است که ما برای نمونه نام چند عنوان از آنها را می آوریم:

تاریخ عالم آرای نادری	محمد کاظم مروزی
بدایع الوقایع	زین الدین محمود واصفی
جهان نامه	محمد بن نجیب بکران
تاریخ سلاطین مغتیه دارالسلطنه	میرزا عبدالعظیم دبیر
مجنون و لیلی	امیر خسرو دهلوی
دستورالکاتب فی تعیین المراتب	محمد بن هند و شاه نخجوانی
تصوف و ادبیات صوفیه	۱۰۱. برتلس
قاموس فارسی به روسی	میرزا عبدالله عبدالغفار
خمسه نظامی	

کشف المحجوب (متن تفسیر شده) هجویری
تاریخ بدخشان
گلستان و بوستان

همچنین گزیده دیوان حافظ و دهها جلد کتاب خطی دیگر که در خزاین خطی شوروی نگهداری می گردد برای اولین بار چاپ شده است.

این نکته را نیز یادآور شویم که در خزائن خطی موجود در شوروی، بویژه در شهرهای باکو، ایروان، تفلیس، لنین گراد، غازان، دوشنبه، تاشکند، تارتو و غیره کتب و آثار نادر و ناشناخته موجود است که باید در شناسایی و نشر آنها اقدامات جدی به عمل آید و مخصوصاً در شهر غازان که بیش از ده هزار جلد دستنویس به زبانهای عربی، فارسی و ترکی موجود است که تا کنون دست نخورده مانده و شناسایی و بهره برداری از آنها برای فرهنگ بشری بسیار نافع خواهد بود و بر گوهرهای خزاین ادبی ایران خواهد افزود.

مؤسسه انتشارات دولتی «پروگرس» (ترقی) آثاری را از زبان روسی، یا زبانهای دیگر شوروی به فارسی ترجمه و چاپ و منتشر کرده است. مثلاً در سالهای اخیر آثار تولستوی، پوشکین، چخوف، داستایوسکی، تورگنیف، ناگی بین، شولوخوف، کاتایف، آکسانوف، آیتماف و دیگران به فارسی ترجمه و منتشر گردیده است. همچنین از طرف این موسسه آثاری که در شوروی بزبان فارسی تألیف گردیده به چاپ رسیده است. این موسسه فرهنگ و خودآموزهای روسی به فارسی را نیز منتشر می کند.

در اتحاد شوروی تا کنون چندین بار از آثار هنری و فرهنگی ایران نمایشگاههایی ترتیب داده شده است و به مناسبت زادروزها و یادواره‌های بزرگان علم و ادب کشور ما مراسم یادبود در مسکو و سایر مراکز علم و ادب کشور به نحو گسترده‌ای برگزار گردیده. از مهمترین این مراسم می‌توان از جشن هزاره فردوسی در سال ۱۳۵۳ هجری قمری (۱۹۳۴ م.) در شهرهای مسکو، لنین‌گراد، باکو، ایروان، تفلیس، دوشنبه، عشق‌آباد و تاشکند نام برد. در این



علی زاده

جشنواره نمونه‌هایی از اصل و ترجمه اشعار فردوسی و همچنین آثاری درباره زندگی و آثار جاودان نابغه طوس از طرف انستیتوهای خاورشناسی آکادمی علوم شوروی و مؤسسات دیگر از قبیل موزه ارمنستان لنین‌گراد و غیره منتشر گردیده است. همچنین می‌توان از سومین کنگره هنر و باستان‌شناسی ایران (۱۳۵۴ هجری قمری - ۱۹۳۵ م.)، مراسم هزاره ابن سینا (۱۳۷۳ هجری قمری - ۱۹۵۳ م.) در مسکو و چند شهر دیگر و مراسم یادبود هفتصدمین سال تألیف گلستان سعدی در سال ۱۳۷۸ هجری قمری (۱۹۵۸ م.) در مسکو و پایتختهای جمهوریهای شوروی نام برد.

در همین سال مراسم جشنواره هزار و یکصدمین سال تولد رودکی در شهرهای مسکو، لنین‌گراد و دوشنبه برگزار گردید. در سال ۱۳۸۰ هجری قمری (۱۹۶۰ م.) کنفرانس «زبان فارسی» با شرکت بیش از یکصد نفر ایران‌شناس شوروی و دیگر مهمانان خارجی در لنین‌گراد تشکیل شد. در سال ۱۳۸۳ هجری قمری (۱۹۶۳ م.) نمایشگاههایی از آثار هنری ایران (ظروف، نگاره‌ها و غیره) ترتیب یافت. در سال ۱۳۸۵ هجری قمری (۱۹۶۵ م.) نمایشگاه دیگری از هنرهای زیبای ایران در خانه دوستی ایران و شوروی در مسکو و در سال ۱۳۹۴ هجری قمری (۱۹۷۴ م.) سمپوزیوم ایران‌شناسان در شهرهای سمرقند و دوشنبه برپا گردید.

همچنین بر طبق بیمانهای مودت و روابط فرهنگی در ظرف این مدت بین شوروی و ایران متقابلاً اعزام دانشمندان، متخصصین صنعتی، علمی و فرهنگی، پژوهشگران، موسیقی‌دانان و هنرپیشگان و محصلین و مبادله کتاب و مجله و روزنامه و غیره و هرگونه مبادلات فرهنگی معمول بوده است.

نگهداری اشیاء عتیقه ایران در شوروی

گفتیم که فعالیت ایران‌شناسی در روسیه اساساً از اوائل قرن ۱۸ یعنی درست از سال ۱۱۲۶ هجری قمری (۱۷۱۴ م.) آغاز گردید و به فرمان پترکبیر موزه دولتی در شهر «سنت پترزبورگ» تأسیس گردید که یکی از شعبه‌های مهم این موزه وظیفه گردآوری و نگهداری آثار هنری و کتب خطی و اشیاء عتیقه شرقی را برعهده داشت. در این شعبه، بخش ایران‌شناسی و آثار هنری و فرهنگی ایران نیز ایجاد گردید. موزه دولتی نامبرده نیز جزء آکادمی علوم گردید و از این تاریخ به مدد شرق‌شناسان، سیاحان و ارتشهای تزاری مقدار چشمگیری از آثار هنری، اشیاء عتیقه، کتب خطی و دیگر اشیاء گرانبها بتدریج در این موزه جمع‌آوری شد، تا اینکه در سال ۱۲۳۴ هجری قمری (۱۸۱۸ م.) «موزه آسیایی آکادمی علوم روسیه» تشکیل گردید و این موزه از آن پس به یک مخزن منظم و غنی از آثار هنری و فرهنگی شرق، از آنجمله ایران، تبدیل شد. این موزه فعالیت خود را تا انقلاب ۱۹۱۷ میلادی (۱۳۳۶ هـ. ق.) ادامه داد و پس از انقلاب نیز موجودیت خود را حفظ نمود و در سال ۱۳۴۸ هجری قمری (۱۹۳۰ م.) در چند سازمان شرق‌شناسی دیگر ادغام شد و «انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی» نام گرفت و به یکی از مراکز خاورشناسی جهان مبدل گردید.

بی‌مناسبت نیست که مختصری نیز درباره تدریس زبان فارسی، عربی و عبری در روسیه بگوئیم: نخستین استاد کرسی زبانهای خاورمیانه در دانشگاه مسکو بولدریف، دانشمند شرق‌شناس معروف روس بود. بولدریف در سال ۱۲۴۱ هجری قمری (۱۸۲۶ م.) کتابی به نام مجموعه آثار برگزیده ادبیات فارسی در دو جلد تألیف کرد که مجلد دوم آن عبارت از دستور زبان و فرهنگ فارسی بود. از این پس تدریس زبان فارسی نیز در دانشگاه «سنت پترزبورگ» از سال ۱۲۳۴ هجری قمری (۱۸۱۹ م.) آغاز گردید و بتدریج در این دانشگاه از سال ۱۳۰۳ هجری قمری (۱۸۵۵ م.) رشته زبانهای قدیم ایران و تاریخ ادبیات

معلومات خود در زمینه زبان و ادبیات فارسی پرداخت و بویژه درباره فولکلور و اشعار عامیانه پژوهشهای ژرفی به عمل آورد. به هنگام بازگشت مجموعه بزرگی از اشعار عامیانه و ترانه‌ها و ضرب‌المثله و کلمات قصار که گردآوری کرده بود با خود به روسیه برد و با نام نمونه‌هایی از اشعار عامیانه ایران انتشار داد و این اثر مورد توجه محافل علم و ادب، بخصوص خاورشناسان قرار گرفت.

از دانشمندان برجسته خاورشناس روسی یکی هم پروفیسور میلر است که درباره زبانهای باستانی فلات ایران پژوهشهای چشمگیری به عمل آورد و در این راه قدمهایی برداشت. این دانشمند با همکاری زلمان در رشته‌ی زبانشناسی ایرانی آثاری آماده و منتشر کرد. در این ایام کتابی نیز درباره لهجه‌های کاشانی

کلاسیک تدریس گردید. در همین سال در مرکز خاورشناسی شهر غازان نیز فعالیتهای ایران‌شناسی آغاز شد و در سال ۱۲۸۰ هجری قمری (۱۸۶۳ م.) برای اولین بار از طرف پروفیسور کرتویچ تدریس زبانهای اوستانی و فارسی میانه و انتشار آثار کهن میخی دوران هخامنشی آغاز گردید.

یکی دیگر از دانشمندان مشهور ایران‌شناس روسی والینتین ژوکوفسکی است (۱۹۱۸-۱۸۵۸ م.). که همتای شرقشناسان شهری چون زلمان و کوشویچ بوده است و به کار تدریس زبان و ادبیات کلاسیک و جدید فارسی پرداخته و از خود متتهای درسی و پژوهشی فراوانی درباره زبان و ادبیات فارسی به یادگار گذاشته است. وی در سال ۱۳۰۰ هجری قمری (۱۸۸۳ م.) مسافرتی به تهران کرد و مدت سه سال در پایتخت ایران ماند و به تکمیل

اندیشه انتشارات دانشگاهی

کتابهای اساسی مانند کتاب مقدس، دستور زبان لاتین و سالنما (almanac) چاپ و توزیع کنند. هیچکس ادعا نمی‌کند که این هدفهای اولیه اکنون نیز به قوت خود باقی هستند. انحصارات یا از بین رفته‌اند و یا بقدری مقید شده‌اند که قادر نیستند کسی را تحت فشار بگذارند.

ناشران تجارتي بر سر تهیه انواع متون و کتابهای مرجع دانشگاهی با قیمتهای مناسب با یکدیگر رقابت دارند. تهیه کاغذهای امتحانی، بولتن خبرهای داخلی، دستور جلسات هیئت علمی و تأمین چاپ نفیس برای اینگونه کارهای روزانه و موقتی دانشگاهی و عرضه آنها در محدوده دانشگاه، اگرچه ممکن است خدمتی به دانشگاه باشد ولی در خارج از دانشگاه اهمیت چندانی ندارد. امروزه مؤسسه انتشارات دانشگاهی - اگر نخواهد مثل هر ناشر و چاپچی دیگری شمرده شود - باید توجیه تازه‌ای برای فعالیت خود بیابد.

اینکه مؤسسات نشر دانشگاهی چه می‌توانند بکنند و چه نمی‌توانند بکنند به طور عمده مربوط به ساخت اداری و مالی آنهاست. مثلاً مؤسسات انتشاراتی دانشگاههای امریکایی، بدون استثنا، از نظر مالی مستقیماً از طریق تخصیص بودجه سالانه توسط دانشگاههای خود اداره می‌شوند. این درجه از یکپارچگی

مؤسسه انتشارات دانشگاهی مؤسسه‌ای است که به کار نشر یا چاپ، یا هر دو، می‌پردازد و متعلق به دانشگاه است و زیر نظر آن اداره می‌شود. بر این تعریف تأکید بیش از حد نباید داشت، زیرا ممکن است ترتیباتی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توسط دانشگاه کمبریج داده شد خارج از این تعریف قرار گیرد. این ترتیبات مبنی بر مشارکت دانشگاه با مؤسسات تجارتي بود که مسئولیت عمده اداره کار را به عهده داشتند. معیار اساسی در کار مؤسسه نشر دانشگاهی آن است که انگیزه کارش مصلحت دانشگاه باشد؛ مصالح آکادمیک را بر منافع تجاری مرجع شمارد و به یک معنی در خدمت دانشگاهی باشد که نامش را بر خود دارد. امروزه یک مؤسسه انتشارات دانشگاهی به چه معنی می‌تواند ادعا کند که چنین معیارهایی را مراعات می‌کند؟ به نظر می‌رسد سابقاً در انگلیس مؤسسات انتشاراتی دانشگاه به این دلیل تأسیس می‌شدند که دانشگاهها را از انحصارگریهایی که به وسیله بنگاههای تجاری و اعضای «شرکت انتشارات» (Stationers Company) به ضرر دانشگاهها اعمال می‌شد، حفظ کنند. دانشگاههای آکسفورد و کمبریج با به دست آوردن فرمان سلطنتی توانستند عملاً «انتشارات» خود را تأسیس کنند و بدون تخطی قانونی به حقوق انحصارگراها در زمینه «مذهب، آموزش و علوم»،